

معلمی اصل است

■ اعظم لاریجانی



■ علی اصغر خانی‌پور متولد نورآباد در استان لرستان است. مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی و ۲۲ سال سابقه کار دارد. از این ۲۲ سال هفت سال آن را مدیر دبستان و یک سال هم معاون پرورشی بوده است. وی جستارها و مقالات متعددی در ارتباط با آموزش و پرورش نوشته است، از جمله: تعلیم و تربیت دینی و تعلیم و تربیت دین (با کنکاشی پیرامون امکان تعلیم و تربیت دینی در مقام علم و عمل) و نقدی بر وضعیت کتاب درسی از نظر مؤلفه‌های تربیت. او معتقد است، پژوهش در آموزش و پرورش جایگاه شایسته خود را نیافته است، ولی از آنجا که او پژوهش را رکن اساسی پیشرفت و ترقی جوامع می‌داند، متوقف نشده است و همچنان در این حوزه فعالیت می‌کند تا به مسئولیت فردی خویش عمل کرده باشد. گفت‌وگوی مجله رشد معلم را با او بخوانید.

شما در ارتباط دوستانه می‌توانید دست روی شانه دوست خود بگذارید، اما در ارتباط معلمانه چنین نیست. من گاهی زنگ ورزش با بچه‌ها بازی می‌کنم. این همان واردشدن به دنیای کودکان ایشان است. این کار در ساختن آن ارتباط معلمانه بسیار کارساز است.

آیا شما خودتان را موفق می‌دانید؟

■ به تعبیر حضرت عیسی (ع)، درخت را هم با ریشه می‌توان شناخت و هم با میوه. بسیاری از دانش‌آموزانم در اجتماع افراد موفق شده‌اند. بعد از گذشت ۲۰ سال همچنان به نیکی از من یاد می‌کنند. من با بسیاری از آن‌ها همچنان ارتباط دارم. این ارتباط چنان پایدار است که حتی به مراسم ازدواجشان دعوت شده‌ام. جا پیدا کردن در دل دانش‌آموز به موفقیت معلم کمک می‌کند. در طول دوران کاری‌ام همیشه سعی کرده‌ام صادق باشم. همان‌طور که گفتم، دانش‌آموز به‌طور غیرمستقیم از رفتار و منش معلم الگوبرداری می‌کند. برای مثال، اگر نمره اشتباهی دادم، یا برخورد نامناسبی داشتم، بارها از بچه‌ها عذرخواهی کردم. و آن‌ها وقتی می‌بینند معلم هم به اشتباهش اعتراف و عذرخواهی می‌کند، یاد می‌گیرند. همه این‌ها باعث شده‌اند در دل دانش‌آموزانم جا باز کنم. مگر موفقیت چیزی جز این است؟

از دیدگاه شما به‌عنوان یک معلم پژوهشگر، معلم موفق چه ویژگی‌هایی دارد؟

■ به نظرم نقطه اصلی این است که معلم جایگاه خود را بشناسد و بداند چقدر می‌تواند بر ذهن و ضمیر متعلمانش اثر بگذارد. دیگر عوامل خود از این طریق به هم متصل می‌شوند و موفقیت حاصل می‌شود. اینکه معلم باید خوش‌لباس، خوش‌سیم، خوش‌صحبت، خوش‌اخلاق و تمام خوش‌های دیگر باشد، فرع بر این است که معلم باید بداند در منظر دانش‌آموز آدم دیگری است و غفلت از این نتایج زیان‌باری در بر دارد.

گفتید که تمام خوش‌ها، مثل خوش‌لباسی، فرع است. به نظر شما اصل چیست؟

■ همان‌طور که گفتم، معلم باید بداند چه جایگاهی دارد. این خودآگاهی اصل است؛ آگاهی از اینکه دانش‌آموزان وی را الگوی خود قرار می‌دهند و هر سخن و کردار وی می‌تواند به تغییراتی در بینش و منش دانش‌آموز منجر شود. بنابراین، معلم موفق کسی است که: ۱. به نقش خود آگاه است؛ ۲. توانسته است «ارتباط معلمانه» ای برقرار کند. ارتباط معلمانه چیزی فراتر از ارتباط دوستانه است. در ارتباط معلمانه، علاوه بر ارتباط دوستانه، حریم و شأن معلمی هم حفظ می‌شود.

معلم چگونه می‌تواند اثرگذار باشد؟

به نظر من، در ساختار کنونی آموزش و پرورش، اثرگذاری بیشتر فرایندی فردی است. معلم موفق اثرگذار است و معلم اثرگذار موفق. همان‌طور که گفته شد، داشتن ارتباط معلمان خیلی در اثرگذاری روی متعلمان اهمیت دارد. اصلاً اگر این ارتباط شکل نگیرد، کاری از پیش نمی‌رود.

به نظر شما پژوهش در حوزه آموزش چه اهمیتی دارد؟

پژوهش رکن اساسی پیشرفت و ترقی جوامع است. صاحب‌نظران پژوهش را «فعالیتی منظم همراه با طرح و اندیشه می‌دانند که می‌تواند فرد را در پاسخ‌گویی به سؤالاتی که درباره موضوع برایش مطرح می‌شود، یاری دهد». آگاهان معتقدند، پژوهش یک گزینه انتخابی نیست، یک ضرورت برای رسیدن به جامعه‌ای پیشرفته و توسعه‌یافته است. پژوهش و آموزش قابل تفکیک نیستند. یار کمکی نیست. پژوهش خود آموزش است. در فرایند پژوهش یادگیری نیز متجلی می‌شود. این موضوع می‌تواند شکل‌های متفاوتی به خود بگیرد. معلم خود باید این‌قدر مجال داشته باشد که در ارتباط با موضوع موردعلاقه دست به پژوهش بزند، یا موضوع مربوط به کلاس خود را انتخاب کند و برای مثال بفهمد چرا فلان دانش‌آموز منزوی و گوشه‌گیر شده است؟ خود دانش‌آموزان هم می‌توانند با نظارت معلم به کارهای پژوهشی دست بزنند.

برای تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و پژوهش چه راهکارهایی دارید؟

در ابتدای هر چیز باید سازوکار پژوهش را به دانش‌آموزان آموخت. در کتاب درسی علوم ابتدایی، همان فصل اول، در ارتباط با مشاهده و فرضیه و آزمایش و نظریه سخن به میان آمده است. از نظر من این فصل مهم‌ترین قسمت علوم است. من با مثال‌های متعدد پژوهش را در مورد مباحث علوم برای دانش‌آموزان توضیح داده‌ام. در پروژه‌های فردی یا گروهی سعی می‌کنم دانش‌آموزان را به انجام آزمایش و پژوهش سوق دهم. یا در درس مطالعات اجتماعی امسال، هر دانش‌آموز استانی را به‌عنوان پروژه تحقیقاتی انتخاب کرد و به تحقیق در ارتباط با استان موردنظر پرداخت. کلیپ‌های فوق‌العاده‌ای ساختند و هر دانش‌آموز کار خود را در کلاس ارائه داد. دانش‌آموز وقتی بداند معلم اهمیت می‌دهد و پیگیر است، خود به خود انگیزه پیدا می‌کند. خود نفس پژوهش پاداش خود است؛ هم برای دانش‌آموز جذابیت دارد و هم فرایند تدریس را آسان می‌کند.

به نظر شما چرا گروهی از معلمان به انجام فعالیت‌های پژوهشی تمایل ندارند؟

به نظر می‌رسد هدف اصلی پژوهش‌های مدرسه‌محور (اقدام‌پژوهی، درس‌پژوهی و ...) هنوز برای معلمان به خوبی تبیین نشده است. چون هدف اصلی این پژوهش‌ها، کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش و یادگیری است.

به‌عنوان معلم پژوهشگر، قبل از پاداش حتماً انگیزه‌های دیگری هم بوده که با وجود همه کاستی‌ها شما را در این مسیر نگاه داشته است. این انگیزه چه بوده است؟

در این مدت ندیدم از کار پژوهشی معلمی استفاده شود. این همه اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی توسط معلمان انجام می‌شود. نتیجه کو؟ آیا ما بانکی اطلاعاتی از این پژوهش‌ها داریم؟ کسی هم که کار پژوهشی انجام می‌دهد، صرف‌علاقه و انگیزه شخصی است. تا قبل از رتبه‌بندی، بیشتر آموزگاران به ادامه تحصیل تمایل نداشتند، اما حالا بیشترشان انگیزه پیدا کرده‌اند؛ چرا، چون نظام پاداش‌دهی در کار است.

اگر کارتان را بی‌تأثیر می‌بینید، چرا ادامه می‌دهید؟

من کلیت ماجرا را می‌بینم. ما خیلی کارهای دیگر را هم انجام می‌دهیم که ممکن است در حال حاضر نتیجه‌ای نداشته باشد، ولیکن به امید اینکه روزی به انجام برسد، قدم برمی‌داریم. وظیفه من کاشتن بذر است و این ساختار است که این بذر را در نطفه خفه می‌کند یا پرورش می‌دهد. من وظیفه خودم را تمام و کمال انجام می‌دهم. ساختار هم باید وظیفه خودش را انجام دهد.

در عمر کاری شما چه چیزی وجود دارد که خودتان به آن افتخار کنید؟

به نظرم احترامی که دانش‌آموزانم بعد از گذشت سال‌ها همچنان برای من قائل هستند، قابل افتخار است.

اگر صحبت دیگری دارید، بفرمایید.

امروزه علم و فناوری محور اصلی فعالیت‌های کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است. علم و فناوری خود محصول پژوهش است. یکی از مهم‌ترین فضاها برای انجام این مهم، آموزش و پرورش است. من منکر تلاش‌های صورت‌گرفته نیستم، اما مسئولان این وزارتخانه باید به مراتب بیش از آنچه تلاش کرده‌اند، در فکر نهادینه کردن پژوهش، نوسازی علمی و ارتقای جایگاه پژوهش باشند. نظام آموزشی ما بر یاددهی متمرکز است تا یادگیری. امروزه به مدرسه‌هایی در تراز نو محتاج هستیم؛ مکانی برای گفت‌وگو و آموزش‌های دوسویه. آموزش‌هایی که در آن‌ها، هم آموزش‌دهنده و هم آموزش‌گیرنده، مدام می‌آموزند.